



۱۱۸

سوسیالیسم امروز

۱۵ بهمن ۱۳۹۸ - ۴ فوریه ۲۰۲۰

S_zijji@yahoo.se

سلام زیجی

www.simroz.org

iransocialist2017@gmail.com



بیانیه حزب سوسیالیست انقلابی ایران در باره نمایش "انتخابات" مجلس جمهوری اسلامی

**نباید در بازی دشمنان
وسرکوبگران خود
شرکت کرد!**

صفحه ۳

**"طرح صلح قرن" یا
تحمیل یک سیاست
فاشیستی و قلدرمآبانه؟**

حزب سوسیالیست انقلابی

هیئت حاکمه کنونی امریکا به رهبری رئیس جمهور رسوا شده شان در حالی که هم در بعد جهانی و منطقه ای و هم در بعد داخل کشوری در بحرانی ترین و تضعیف شده ترین موقعیت به سر میبرند به همراه هیئت حاکمه و نخست وزیر به مراتب رسواتر اسرائیل، روز سه شنبه ۸ بهمن (۲۸ ژانویه) یکجانبه و با هیاهوی پوچ "توافقی" را اعلام کرده ند که در آن گویا هم "صلح" برقرار خواهد شد، هم امنیت تامین میشود، هم تروریسم خاتمه پیدا میکند و هم "بدونه اینکه کسی جابجا شود" فلسطینی ها میتوانند دولت خود را دایر کنند. و این هذیان گوئی "معامله قرن" قرار است با کرنش بردن فلسطینی ها در مقابل ۵۰ میلیارد دلار به سرانجام برسد!

هیچ چیزی شرم آورتر از این نیست که دو شخصیت اول دو کشور که در فساد فرو رفته اند و هر دو سرمایه دار گردن کلفت کشورشان هستند، و هر دو در راس یک سیاست دست راستی و یک ماشین آدمکشی و ترور در جهان و منطقه قرار گرفته اند و شخصا دستشان به خون مردمان بی دفاع بسیار زیادی رنگین شده است به این شکل و با بی حیایی بیایند جلو دوربین و جامعه جهانی را به سخره بگیرند و برای ما به "پیغمبران صلح" تبدیل شوند! این است سملها و

صفحه ۲

**رای ندادن بهترین اعتراض است،
خامنه ای و روحانی چرند می گویند!**

صفحه ۴

"انتخابات" یا توهین به شعور مردم؟

صفحه ۷

**از جدال تاریخی بین اسلام و یهودیت
تا معامله قرن!**

صفحه ۸

فرضیه ی فراگیر شدن خشونت در جهان امروزی

صفحه ۹

بیانیه حزب سوسیالیست انقلابی ایران در باره حداقل دستمزد طبقه کارگر ایران در سال ۱۳۹۹

**زنده باد جنبش متحد طبقاتی
برای افزایش حداقل دستمزد**

صفحه ۵

کارگران جهان متحد شوید!

"طرح صلح قرن" یا ...

نمایندگان واقعی این جهان ضد انسانی سرمایه داری که حتی حامیان خود را نیز آدم حساب نمی کنند چه برسد به شهروندان منزجر و متنفّر از این نظام و رهبران! این سناریو اگر چه نمایشی مضحک بنظر میرسد اما مگر با تداوم سیاستهای همواره تروریست پرور و اقدامات فاشیستی و جنگ طلبانه و زورگویانه و ضد کارگری و ضد سوسیالیستی امثال امریکا و اسرائیل امکان تحقق چنین تخیلاتی ممکن خواهد شد؟ نه! آنها خود نیز میدانند که دارند دروغ تحویل مردم میدهند، اما میخواهند سر مردم کلاه بگذارند تا نقشه خود را به آسانی پیش ببرند.

واقعیت امر این است این نقشه که نام نامربوط "صلح قرن" بر آن گذاشته شده است، نه تنها بر مبنای یک سیاست نژاد پرستی و تامین منفعت یکجانبه دو دولت امریکا و اسرائیل بنا نهاده شده است، که در ادامه سیاست زورگویانه الحاق بلندیهای جولان به اسرائیل، و سپس اعلام رسمی اورشلیم ("بیت المقدس") به عنوان پایتخت اسرائیل و انتقال سفارت امریکا به آنجا باید در نظر گرفت. اکنون با این طرح حلقه آخر تحویل یک پروژه متکی به سیاست نژاد پرستی و دست راستی به نمایش گذاشته میشود که در آن بجز پامال کردن حق اولیه شهروندی ساکنین فلسطین و به سخره گرفتن افکار جهانی حاصل دیگری نخواهد داشت.

بر عکس ادعاهایی ترامپ و نتانیاهو قلد، با این طرح نه فقط تروریسم تضعیف نخواهد شد بلکه بزرگترین آتو به دست همه دولتهای مرتجع دیگر اسلامی و همه نیروهای تروریست منطقه داده شده که همچنان به تروریسم و سیاست ضد انسانی خود "مشروعیت" بدهند، و بدین ترتیب دعوی این دو بخش ارتجاعی و تروریستی (امریکا-اسرائیل، و جمهوری اسلامی-حماس - حزب الله و امثال اردوغانها و دیگر مرتجعین اسلامی حاکم در منطقه) میتواند همچنان چهار نعل علیه جنبشهای مترقی و مردم جان به لب رسیده بنازند و منطقه را همچنان در آتش جنگ و تروریسم بسوزانند. این سیاست کانگرسریسم و تروریستی از هر دو سو بزرگترین مانع سر راه صلح و امنیت واقعی و سر راه جنبشهای مترقی سوسیالیستی، کارگری، زنان و سکولاریستی علیه وضع موجودند.

ماتاکید میکنیم که به همان شکلی که با سیاستهای ترامپ و نتانیاهو و دولت هایشان به درست مخالفت میشود، همزمان باید ادعاها و هیاهوی ریاکارانه و ارتجاعی "دفاع از مردم فلسطین" که از سوی دولتهای اسلامی منطقه عرب زبان و به ویژه از جانب جمهوری اسلامی ایران و دولت اسلامی حاکم در ترکیه در این مورد به صدا در آمده رسوا نمود. اینها نیز درست مانند هر دو دولت امریکا و اسرائیل سرنوشت واقعی مردم فلسطین را به گروه گرفته اند تا از این دریچه به دعوا و مرافعه خود با هم، و همچنین با امریکا و اسرائیل تداوم بدهند و منافع اقتصادی، سیاسی، مذهبی و ناسیونالیستی و نظامی خود را تامین نمایند. این دولتهای حامی دروغین مردم فلسطین، که در کشورهای تحت کنترل خود از اسرائیل و امریکا هم بسیار جنایتکارانه تر شهروندان را سرکوب میکنند، مانع رفع ستم ملی و مانع تحقق حق برابر شهروندی هستند، باید رسوا شوند و حق دخالت در سرنوشت مردم رنج دیده فلسطین را نباید داشته باشند.

بشریت متمدن و همه نیروهای که به حقوق واقعی برابر شهروندی پایبند هستند و چنانچه دمکراسی مضحک دولت امریکا و ترامپ افکار و شرافت شان را به گرو نه گرفته باشد میدانند که نه تنها دولتهای جنایتکار منطقه، از اسرائیل تا جمهوری اسلامی و ترکیه و بقیه، بلکه هیچکدام از دولتهای امپریالیستی از جمله دولت امریکا و ترامپ نیز هیچگاه خواهان حل معضلات واقعی منطقه ویران شده خاور میانه

از جمله دو پدیده اصلی، که محمل جنگ و تروریسم و خانه خرابی و آوارگی بیشماری از مردم بی دفاع شده است، نه تنها نبوده اند بلکه خود عامل به وجود آورنده این شرایط هستند و از این دو پدیده همواره به منظور تحمیل مداوم خود، مشروعیت دادن به حضور قلدن مابانه و حتی واسطه ای به منظور پیشبردن جدال امپریالیستی خود از کانال این منطقه، برای تامین منفعت اقتصادی، امنیتی و نظامی خود شده اند. این دو پدیده، دو معضل واقعی حل نشده دیرینه "فلسطین" و "مساله کرد" در منطقه است. پاسخ واقعی دمکراسی غربی و امریکایی و نتانیاهوای به آن در بهترین حالت همین است که در قالب "طرح صلح قرن" در فلسطین دیدیم، و یا در رویداد، استقلال کردستان عراق و سپس رویداد کرکوک و هم چنین معامله "قرن" دیگری که با ترکیه و روسیه بر سر بخش زیادی از مناطق کردستان سوریه و جنابیتی که انجام گرفت شاهدش بودیم، و از سوی دیگر سیاست و پاسخ بقیه دولتهای جنایتکار دیگر به حل مشکل فلسطین که گویا مدافع "مردم فلسطین" هستند، در شکل ارتجاعی دیگری (اسلامی و ناسیونالیستی) دقیقاً کپی شده طرح ضد انسانی و زورگویانه و یکجانبه دولت امریکا و ترامپ میباشد.

وجه مشترک طرحهای هر دو سوی این منازعه، هم دولت امریکا و هم دولتهای جنایتکار نامبرده اسلامی و نژاد پرست بر اساس هویت ضد انسانی مذهبی و ملگرای و نژاد پرستی است نه حق و حقوق برابر شهروندی! بی معنی بودن حق برابر شهروندی و اتکا به برتری طلبی نژادی، مذهبی و فاشیستی خود بر طرف مقابل بنیاد ستونهای ضد انسانی و آدمکشی این سیاست را تشکیل داده است، از اینرو درد و رنج و کشمکش مردم آن منطقه را عمیقتر و پر معضل تر کرده اند.

حزب سوسیالیست انقلابی ایران ضمن محکوم کردن طرح ضد صلح و ضد امنیت و ضد حق شهروندی "طرح صلح قرن" مشترک دو دولت امریکا و اسرائیل، سیاست همه دولتهای درگیر در منطقه در بر خورد به معضل فلسطین و همچنین در برخورد به موضوع رفع ستم ملی، و به سیاست وقیحانه آنها مبنی بر به رسمیت نشاخنه حقوق برابر شهروندی را شدیداً محکوم می نماید و خواهان مقابله متحدانه کارگران و آزادیخواهان منطقه با آنها میباشد. بهترین شکل شکست دادن طرح ارتجاعی ترامپ- نتانیاهو بلند شدن صدای رسا و متحد طبقه کارگر و صف آزادیخواهان در اسرائیل و فلسطین و حمایت جهانی از آنها است!

ما در شرایط و تناسب قوای کنونی هم در باره فلسطین و هم در مناطق کردنشین و یا هر جای که ارتجاع سرمایه داری در پوزسیون و اپوزسیون کشمکش ملی را به یک معضل و مانع جدی و خونین سر راه زندگی مشترک انسانی تبدیل کرده باشند، بر یک راه حل سوم، راه حل انسانی و سوسیالیستی متکی به اراده خود شهروندان پای می فشاریم: مراجعه به رفراندوم و رای مستقیم شهروندان، بدون هیچ دخالت و زورگویی و حضور نظامی و غیر نظامی، با تضمین دسترسی برابر به تبلیغات و اختصاص بودجه برابر، و با اعلام از پیشی پذیرش نتیجه آرا چنین رفراندومی، هم از جانب همه ترفهای درگیر و هم از جانب نظاره گران بین المللی!

نه به سیاست ارتجاعی "طرح صلح قرن" مشترک ترامپ و نتانیاهو!
نه به تداوم ستم ملی و به گرو گرفتن حق برابر شهروندی!
نه به جنگ و تروریسم دولت امریکا و اسرائیل!
نه به سیاستهای تروریستی-ارتجاعی دولتها و نیروهای اسلامی و قوم پرست در منطقه!

زنده باد حق برابر شهروندی برای همه!
زنده باد آزادی، زنده باد برابری، زنده باد سوسیالیسم!

حزب سوسیالیست انقلابی ایران

Iransocialist2017@gmail.com

۱۵ بهمن ۱۳۹۸ - ۴ فوریه ۲۰۲۰

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

بیانیه حزب سوسیالیست انقلابی ایران در باره نمایش "انتخابات" مجلس جمهوری اسلامی

نباید در بازی دشمنان و سرکوبگران خود شرکت کرد!

این رژیم خون و جنون دارند و میخواهند دوباره به بازی گرفته شوند و بازار این نظام جانی را رونق ببخشند باید گفت برخورداری از عقل و درایت و حس مسئولیت و انسانیت هم چیزی خوبی است، که متأسفانه حاکمیت فاسد چهل ساله یک نظام بورژوا-داعشی شیعه مسلک توانسته این خصوصیات اولیه انسانی را از وجود بخشی از شما "مردم"، از جمله از کسانی که به این نظام "رای" میدهند و در این بازار گرمی شراکت دارند، تهی نماید. علاوه بر تعمق بر واقعیت بی اراده شدن شرکت کنندگان در "نظام انتخاباتی" این رژیم، باید به آنها گفت به عکس کشته شدگانی که برای نان و آزادی و برابری، و بخاطر نخواستن فساد و دزدی و سرکوب و زورگویی یک دولت مستبد جانشان را باختند خیره شوید و بدانید که با شرکت تان در این نمایش انتخاباتی عملاً در کشتار این عزیزان شما نیز سهیم خواهید شد! آیا تکرار چهل سال اشتباه محض و "مشروعیت" دادن به یک نظام آدمکش را فقط باید "اشتباه" نامید؟! یا یک خودکشی و حماقت سیاسی! هر "رای" بی معنی شما اهرمی برای کشتار بیشتر شهروندان بدست همین رژیم خواهد بود. دیگر کافی است! تمامش کنید! فردا جامعه شما را بخاطر این نقش مخرب، ارتجاعی و ضد آزادیخواهانه تان نخواهد بخشید! آیا گرفتن مقداری "انعام" و یا کسب "امتيازات" کثیف و حقیر ارزش این سطح از تنزل و حقارت را دارد که با دستان خود به بقای یک نظامی کمک کنید که صدها هزار انسان شرافتمند را کشتار و نابود کرده است!؟

واقعیت این است همگان بر این حقیقت ساده واقف هستند که پدیده ای به اسم انتخابات در جمهوری اسلامی بسیار پوچ، مضحک و بی ربط به حقوق شهروندان است. در شرایطی که زندگی، معیشت، آزادیهای سیاسی، ثروت و کرامت کل جامعه از جانب این رژیم به گرو گرفته شده است، هیاهو حول چنین مضحکه ای جز توهین به شعور جامعه و دور زدن مطالبات بر حق سیاسی-اقتصادی-فرهنگی، که مطالبات بیش از ۸۰ درصد جامعه میباشد، نیست.

کارگران! مردم آزادیخواه!

شما بر این واقعیت واقف هستید که شراکت در "انتخابات" و ربط دادن کشمکشهای ناشی از آن به امر و منافع مردم، به دمکراسی، به حق رای مردم، به اصلاحات، به انتخاب بین بد و بدتر، به مبارزه مدنی، و این که گویا از این طریق می توان کلیت رژیم یا جناحی از آن را "تضعیف" نمود، نه فقط یک کلاهبرداری بزرگ سیاسی است که تکرار آن بعد از ۴۰ سال یک سیاست جنایتکارانه ی هست که معماران آن، طبقه حاکمه و

ادامه در صفحه ۷



قرار است روز دوم اسفند ۱۳۹۸ مجدداً مضحکه ای به نام "انتخابات مجلس جمهوری اسلامی" به نمایش گذاشته شود. این بازی با شهروندان بر بستر سازماندهی یک کشتار وحشیانه مردم آزادیخواه، که در راس آن جنایت بزرگ شخص خامنه ای و روحانی و شمخانی و رئیسی ها و همین مجلس بی خاصیت و محل تجمع پست ترین عناصر جمهوری اسلامی قرار داشتند، قرار است برگزار گردد.

پیش شرط ها و زمینه های واقعی این "انتخابات" نیز مانند همه "انتخاباتهای" مضحک پیشین این نظام فاسد و مستبد و آدمکش نه آزادی همگان و حق برابر برخورداری از کاندید شدن و کاندید کردن برای کسب کوچکترین تغییر در سرنوشت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی شهروندان، نه! کاملاً بر عکس!، بر بستر بی اراده کردن انسانها، تبدیل آنها به رعیت و برده، و با گرو گرفتن حق اولیه شهروندی، و بر بستر تعرض بی وقفه و گستاخانه به حقوق اولیه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و تشکیلیاتی طبقه کارگر و اکثریت شهروندان قرار است یک مشت مزدور و عناصر فاسد و دروغگو و مفت خور به تجمعی به اسم "مجلس شورای اسلامی" راه پیدا کنند.

و اما امسال در شرایطی که احکام زندان سنگین برای نمایندگان صدای آزادی و برابری و رفاه و امنیت در همه جا پخش میگردد، در شرایطی که دستمزد و حق زندگی انسانی از بیش از ۵۰ میلیون کارگر و خانواده کارگری گرفته شده است، در شرایطی که عوامل خودشان میگویند بیش از ۷۰ درصد مردم زیر خط فقر زندگی میکنند، در شرایطی که دستهای کثیفشان به خون هزارها انسان آزادیخواه و حق طلب رنگین شده و معترضین بی دفاع را به رگیار بستند، و در مقابل چشم جهان بیرحم سرمایه داری کرور کرور را کشتار و بازداشت و شکنجه میکنند و با تمام قدرت مشغول تداوم به این جنایت هولناک هستند، راه انداختن کمپین عوامفریبانه و دو دوزه بازی ای تحت عنوان "انتخابات" نه تنها دهن کجی به جامعه که آنسویی سکه جنایتی است که در اعتراضات آبانماه این نظام وحشی و مجرم مرتکب آن شده است.

با وجود این واقعیتهای هولناک هنوز کسانی به صف شده و برای این مجلس مضحک "کاندید" میشوند و بدینوسیله نه تنها چشمشان را به این همه جنایت میبندند بلکه بخاطر منافع حقیر اقتصادی و گرفتن پولهای باد آورده، و در جهت خدمت به بقای این نظام در صدد هستند تنور این گلاهدرداری بزرگ را گرم نگهدارند. به این کاسه لیسان مزدور فقط باید گفت شرمتان باد! و باید همه جا به آنها گفت که دیر یا زود تک تک شما را به عنوان شریک جرم این رژیم محاکمه و مجازات خواهیم کرد!، به علاوه به آن بخش از "مردم" نیز که هنوز "امیدی" به نمایش دروغین انتخابات

نه به تحریم اقتصادی، نه به امریکا، نه به جمهوری اسلامی،!

رای ندادن بهترین اعتراض است، خامنه ای و روحانی چرند می گویند!

آذر کیمیا

علی مطهری یکی از چهره های اصولگرا هم گفته است در شرایط فعلی حاکم مجلس به شاخه ای از دفتر رهبری تبدیل شده است. بدین ترتیب حتی "نمایندگان مجلس" اول انتصاب حاکمیت هستند بعد با هیاهوی "رای دادن" رنگ مردمی به آن میزنند! شهروند در ساین سیستم انتخاباتی مستبدانه کاملاً جنبه نمادین و مشورتی دارند. تصمیم گیری نمایندگان مردم نظرات مشورتی و پیشنهادات خود را با نمایندگان ولی امر در میان می گذارند حق تصمیم گیری با فقها و مجتهدان است نه نمایندگان منتخب مردم. جامعه ایران به خودی و غیر خودی تقسیم شده است فعالیت احزاب و سازمان های سیاسی یا مدنی را ممنوع کرده اند. اجازه فعالیت به سندیکا های مستقل کارگری یا معلمان یا دانشجویان را نمی دهند مطبوعات و سایر رسانه های مستقل را ممنوع و سرکوب کرده اند و اعتراضات مردم را در هر زمینه سرکوب می کنند. و معترضین را اشکار و پنهان به قتل می رسانند. ساختار معیوب نظام انحصار کامل قدرت سیاسی در دست عده ای که به نام خدا یا امام پنهان از انظار عمل می کنند. رهبران و مسئولان دزد و فاسد و نالایق در مدیریت عده ای جنایتکار حرفه ای که میل باطنی خود به کشتار را با سیاست و نبرد با دشمنان خیالی تحت نام ضد انقلاب و عامل کشورهای خارجی ارضای می کنند عده دیگری که برای قدرت و ثروت دست به هر جنایتی می زنند.

ما ایرانیها باید خوب بدانیم در این نظامهای دینی و حتی ملی گرا و شونیستی و مستبد هرگز حق واقعی انتخاب را نداشته و نداریم. ما فقط ابزار به قدرت رساندن آنها هستیم، ما نباید اجازه دهیم به این شکل از ما سو استفاده کنند، نباید در به قدرت رساندن بیشتر دشمنان خودمان شریک جرم آنها شویم، باید در سراسر کشور آنها را تحریم کنیم و علیه آن اعتراض سازمان بدهیم. حق انتخابات آزاد و برابر فقط در یک جامعه آزاد سوسیالیستی برای ما بوجود خواهد آمد. برای دستیابی به جامعه ای سوسیالیستی و آزاد برای رسیدن به یک جامعه باز که تنها شکل موفق سازماندهی جامعه و حکومت در قرن حاضر است باید به میدان بیاییم. باید با سرکت نکردن همه ما این نظام را تضعیف تر و رسواتر کنیم تا راه سرنگونی کردنشان را هر چه زودتر مهیا کنیم. مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد حکومت آزاد و برابر شورایی-سوسیالیستی!

برای کوتاه کردن دست خونین و سرکوبگر جمهوری اسلامی و یورش هر روزه سیاسی و اقتصادی به طبقه کارگر توسط این نظام ضد کارگری و ضد انسانی هیچ راهی بجز تامین و تضمین شکل دادن فوری به یک مبارزه متحد و مستقل طبقاتی در سراسر کشور با پرچم آزادی و برابری و آرمان سوسیالیستی و به هدف پایان دادن به حاکمیت فاشیستی جمهوری اسلامی و نظام سرمایه داری در ایران پیش روی خود نداریم. بدون چنین آمادگی و هدفی نه تنها جنبش کارگری که کل جامعه نیز در بند و بردگی باقی خواهد ماند.

قرار است دوباره شو انتخابات دوره یازدهم مجلس شورای اسلامی در روز دوم اسفند در ایران برگزار شود، و قرار است دوباره مردم را سر کار بگذارند و بار د صلاحی این و آن و ایجاد "رقابت" الکی جامعه را تحریک کنند. روحانی خامنه ای از ضرورت شرکت در انتخابات صحبت میکنند اما آنها چرند می گویند بهترین راه ابراز اعتراض اتفاقاً عدم شرکت همه ما در این نمایش تکراری ۴۰ ساله است!

علاوه بر اینکه حکومتی که دستش به خون هزارها همشهری ما در همین چند ما اخیر رنگین شده است و هر روز جنایت میکند نباید در نمایش انتخاباتش شرکت کرد بدون وجود احزاب سیاسی متعدد و موافق و مخالف از دست راستی ملی و اسلامی تا کمونیست و کارگری در یک مملکت هیچ انتخاباتی معنایی دارد؟! شورای نگهبان و وزارت کشور شمار گسترده ای حتی از یاران حکومت خودشان رد صلاحیت کرده است. از ما هم میخواهند دوباره برویم به همان کسانی که آنها از فیلترشان رد کرده اند "رای" بدهیم. اینکه مسخره کردن مردم است نه حق انتخابات آزاد.

رئیس جمهور می گوید ما در استانه یک انتخابات بزرگ هستیم و امیدواریم همه مردم پای صندوق های رای بیایند چرا که این انتخابات بر سیاست های منطقه ای و جهانی و قدرت ملی ما تاثیر گذار است. ایت الله خامنه ای می گوید کسانی که نظام را قبول ندارند هم می توانند رای بدهند. البته نه اینکه کسی که نظام را قبول ندارد بیاید مجلس. ج.ا. حکومتی بر آمده از حکومت دینی و مذهب شیعه دوازده امامی که بر اساس اصل امامت است. حکومت ایران نه ناشی از ملت بلکه ناشی از الله است. پس بیخود میفرمائید که ما بیائیم در این سناریو بازیچه دست شما شویم و از ما که هیچ نقشی نداریم مشروعیت "مردمی" بگیرد.

در حکومت دینی مجلس نماد و نماینده ملت هیچکاره است. مجلس قانونگذاری در ایران ویترینی برای نمایش و ظاهر سازی است. قانون اساسی ج.ا. بدون شورای نگهبان اعتبار قانونی ندارد. شورای نگهبان چه نهادی است که نمایندگان ملت بدون ان اعتبار ندارد. شورای نگهبان نهادی است برای نگاه داشتن احکام اسلام. "مقام رهبری" خود ناسیونالیسم کننده ی این نهاد است. کلیه قوانین و مقررات مدنی جزائی مالی اقتصادی اداری فرهنگی نظامی سیاسی همه اینها بر اساس موازین اسلامی میباشد.

بعد از ۴۰ سال تجربه شکست و تحمل زندگی بردگی زیر سایه حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی، اکنون برای ممانعت از تکرار یک شکست بزرگ دیگر، برای به پیروزی رساندن جنبش آزادیخواهی و برابری و دست یافتن به یک نظام آزاد و برابر و سوسیالیستی، راهی بجز تامین صف مستقل طبقاتی جنبشمان، پیوستن به حزب سوسیالیست انقلابی، انتخاب سیاستهای آن، ایجاد احزاب مشابه، و همچنین در پیش گرفتن یک سیاست اصولی تر و مستقل تر کارگری-سوسیالیستی از جانب دیگر نیروهای چپ اپوزیسیون، پیش روی طبقه کارگر و جامعه قرار ندارد!

آزادی، برابری، رفاه، امنیت!

بیانیه حزب سوسیالیست انقلابی ایران در باره حداقل دستمزد طبقه کارگر ایران در سال ۱۳۹۹ (زنده باد جنبش متحد طبقاتی برای افزایش حداقل دستمزد ۸ میلیون تومان!)

میتوان جنبش میلیونی و عظیمی برای افزایش حداقل دستمزد سال ۹۹ به راه انداخت. این جنبش و تحرک میتواند انواع تشکل و نهاد خود جوش و مستقل کارگری و مرتبط به هم، از مجمع عمومی تا شورا و کمیته های کارخانه و کارگری شکل بگیرد و با انتخاب نمایندگان واقعی و رهبران صادق و پیگیر و متحد کننده، یک جنبش طبقاتی و سراسری برای گرفتن حداقل دستمزد مورد نظر خود اقدام نمود. در این شرایط و بنا به زمینه مساعدتر سیاسی و اعتراضی کنونی سازماندهی اعتراض و اعتصاب برای نه فقط افزایش حداقل دستمزد ۸ میلیون تومان، که همچنین برای آزادی همه بازداشت شدگان آبانماه و آزادی همه فعالین کارگری و سیاسی در بند و لغو فوری احکام صادره قرون وسطی، پرداخت فوری دستمزدهای معوقه، ممنوع کردن اخراج، حق بیمه بیکاری، برابری زن و مرد، حق تشکل و تحزب کارگری، حق اعتصاب و اعتراض، ممنوع بودن ورود نیروی مسلح و سرکوبگر و ... به میدان آمد و آن را به امر کل جنبش طبقه کارگر و جلب حمایت همه جنبشها و انسانهای آزادیخواه از آن تبدیل کرد. میتوان با پختگی و آمادگی بیشتر کل مراکز کارگری را به یک جدال طبقاتی و بحران عمیقتر و جدیتری برای کلیت این نظام تبدیل کرد.

نباید اجازه داد پروژه های ضد کارگری از جمله پروپاگند تهدید آمیز و نظامی کردن فضای تنش آمیزی که اکنون به واسطه کشتن یک جانی تروریست به اسم قاسم سلیمانی را با دولت فاشیست مشابه خود، یعنی هئیت حاکمه امریکا و دولت ترامپ، که هم اکنون تنورش را دوباره گرم کرده اند، چون دو طرف هر یک به شکلی با بحران های داخلی و جهانی روبرو هستند و نیاز به چنین فضا سازی دارند برای عبور دادن خود از آن، به مانعی بر سر راه مبارزه و مطالبه طلبی ما تبدیل کنند! و یا مضحکه "۴۱ مین سالگرد حاکمیت" ضد انقلابی شان که ماه آینده شیپورش را به صدا درخواهند آورد، و همچنین نمایش "انتخابات" مجلس شورای اسلامی، که دقیقاً به ماه و روزهای "تعیین حداقل دستمزد" در اسفند ماه همزمان کرده اند، به مشکل ما کارگران و جامعه تبدیل کنند و آنرا به فضای حاکم بر کشور و مبارزه ما تبدیل نمایند. به جای تمرکز روی این همه معضل و مطالبه واقعی و جنایتی که رژیم مرتکب شده به جایی پاسخ گوئی به جنایت سازمان یافته اقتصادی در حق طبقه کارگر و مردم زحمتکش، که خود دولتونها میگویند "۷۰ درصد مردم قدرت خرید را از دست داده اند"، بجای رسیدگی به معیشت کارگران و زحمتکشان که حتی هزینه جنایتها و اختلاسها و دزدیهای بیوقفه و حقوق های باد آورده آنها نیز از قبل کار اجباری مزدی کارگران پرداخت و تامین میشود، میخواهند با حربه های شناخته شده همیشگی شان از نو و برای یک دوره دیگر با تحمیل ریاضت اقتصادی بیشتر و خالی تر کردن سفره خالی کارگران و مردم زحمتکش هم قدرت اندیشیدن و تحرک و اعتراض و اعتصاب و انقلاب متحد کارگری-سوسیالیستی را از طبقه کارگر و زحمتکش سلب نمایند و هم بدینوسیله به بقای ننگین حاکمیت بورژوا-اسلامی خود ادامه بدهند! ما باید به این واقعیتهای آگاه بوده و بتوانیم راههای تداوم و تکرار این سیاست جنایتکارانه را از آنها مسدود نماییم! اگر ما متحد به میدان بیاییم و سیاست درست را دنبال کنیم آنها از هر زمانی ضعیفتر هستند، و باید با قدرت و زور حقان را از حلقوم کثیفشان بیرون بکشیم!

در شرایطی به استقبال یک مبارزه مهم اقتصادی سراسری تحت عنوان "افزایش حداقل دستمزد" میرویم که طبقه ما با تعرض بسیار سنگین اقتصادی به خود و خانواده اش مواجه است، که جامعه ایران به دنبال جنایت بزرگ و هولناک جمهوری اسلامی در آبانماه بر دریائی از انزجار و نفرت از کلیت این نظام نشسته است، در دوره ای که سال جاری ۹۸ سال اعتراضات رادیکال و حق طلبانه کارگری بود بگونه ای که فضای سیاسی ایران به نسبت زیادی تحت تاثیر آن قرار گرفت، و این سال نیز سال مملو از جدال و مبارزه سخت و نابرابر طبقاتی برای کسب حقوق اولیه خود از جمله برای پس گرفتن دستمزد های معوقه، مقابله با اخراج و بیکار سازیها و آزادی فعالین در بند بود. در یکسال اخیر ما شاهد نزدیک به ۲ هزار اعتراض و اعتصاب کوچک و بزرگ و پراکنده طبقه کارگر بودیم که اگر پراکنده نبود و متحد و متشکل میشد و اگر دارای افق روشنتر و رهبری سوسیالیستی و سراسری تری در مراکز مختلف از جمله در مراکز صنعتی میبود، بدون تردید بیش از پیش جمهوری اسلامی و سرمایه داران را به زانو در میآورد و تعرضا لجام گسیخته آنها را به طبقه کارگر و جامعه متوقف میکرد.

امروز در شرایطی به استقبال تعیین تکلیف مهمی در سرنوشت و زندگی انسانی دهها میلیون کارگر و کودکان و خانوادههای له شده زیر حاکمیت سیاه سرمایه داران میرویم که تعدادی از شایسته ترین فعالین ویران کارگران به دست رژیم هار مدافع سرمایه داری جمهوری اسلامی مورد شکنجه و سرکوب و زندان و احکام سنگین قرار گرفته اند، در شرایطی که سرنوشت کل جامعه ایران بطور واقعی بیش از هر زمانی در گرو ایفای نقش پیشرو و عرض اندام طبقه کارگر متحد و سوسیالیست خواه و ضد سرمایه داری و ضد حاکمیت اسلامی قرار گرفته است، بیش از هر دوره ای امکان به میدان آمدن متحدانه کل طبقه از جمله در مراکز کلیدی به مناسبت فصل "افزایش حداقل دستمزد" فرا رسیده است! اکنون یک پدید سراسری و مشترک کل طبقه کارگر و مردم زحمتکش در سراسر کشور مطرح شده است، که ایجاب میکند نقش برجسته طبقاتی و رهبری کننده خود را به این مناسبت ایفا نماییم. این اوضاع حکم میکند تا در صف واحد طبقاتی و سراسری و بدون توهم به هیچ بخشی از حاکمیت و اپوزسیون بورژوائی برای افزایش حداقل دستمزد خود، که بنا به گفته خود مقامات رژیم "خط فقر به ۸ میلیون تومان رسیده است"، برای همین حداقل حق اولیه و انسانی خود به تحرک در آمده و همه شگردهای رژیم و نهادهای مزدورشان را باید با شکست مواجه کرد. ضروری است کل فضای کشور را در دو-سه ماه باقیمانده پایانی سال را به فضای مبارزه برای افزایش دستمزد و حق تشکل و انتخاب نمایندگان واقعی طبقه کارگر تبدیل کنیم. سازماندهی این مبارزه، کاملاً عملی و ممکن است اگر فعالین سوسیالیست و دلسوز جنبش طبقاتی مان متحد و بدون تاخیر ملزومات آنرا، که خود بر آن واقف و آگاه هستند، فراهم نمایند. باید کل طبقه را به سوی شروع اعتراض و اعتصاب سراسری حول مطالبه افزایش حداقل دستمزد ۸ میلیون تومان در سراسر کشور آماده نمود!

بر بستر تحرکات مربوط به فصل تعیین "حداقل دستمزد سال ۹۹" که خود نهادهای وابسته به رژیم و ارگانهای مدتهاست با طرح "افزایش پانزده تا بیست درصدی، کارمندان و کارگران" آنرا پیش کشیده اند،

ادامه

بر قرار باد جمهوری سوسیالیستی!

حداقل دستمزد سال ۹۹...



از اینرو دفاع از افزایش حداقل دستمزد کارگران به ۸ میلیون تومان از جانب این بخش از جامعه نیز مستقیماً به معنی تسهیل مبارزه برای افزایش حقوق و دستمزد خود آنها نیز هست! همه ما کارگران و زحمتکشان و آزادیخواهان باید به این واقعیت ساده واقف باشیم که هدف محوری آنها از یورش اقتصادی به کارگران و زحمتکشان در جامعه در راستایی تامین بقای جنایتکارانه این نظام سر تا پا فاسد، مستبد، قاتل و مجرم و ضد کارگری و ضد انسانی صورت میگیرد. علیه این هدف ضد انسانی باید متحدانه وارد عمل شد!

کارگران! مردم شرافتمند!

هیچ پدیده ای به اندازه تحمیل این سطح از زندگی بردگی به کسانی که کل ثروت یک کشور را خلق میکنند جنایتکارانه و ضد انسانی تر نیست! هیچ جنایتی بزرگتر از این نیست که در شکل "قانونی" نان زحمتکش ترین انسانها را به این شکل از جانب یک مشت کانگستر دولتی و سرمایه دار به گرو گرفته شود. آمار قربانیان این نوع جنایات کمتر از میدانهای جنگ گرم نیست!، هیچ جرمی به اندازه اعمال زورگویانه، یکجانبه، و با نقشه کشی اقتصادی-سیاسی هدفمند علیه تولید کنندگان ثروت و سامان جامعه، و به هدف هموار کردن شرایط مشقت بارتر آنها و سودجوی کور اقتصادی دولت سرمایه داران، از طریق به زانو در آوردن یک طبقه ۴۰ - ۵۰ میلیونی، و نابودی فیزیکی و روحی میلیونها انسان بزرگسال و کودک، که گسترش اعتیاد، خود کشی، تن فروشی، و تحمیل یک زندگی واقعا بردگی به شرافتمندانه ترین و کارکن ترین انسانها جز عوارض فوری ناشی از چنین تعرض است، نمیتوان تصور کرد! آنها از جانب یک مشت اوباش سرمایه دار و یک نظام استبدادی اسلامی-بورژوازی که تنها یک مورد از نژادهای کلان و "اختلاس" هایشان برای پایان دادن به فقر و گرسنگی در کل کشور کفایت میدهد. اما ما کارگران این تعرض گستاخانه را نیز تحمل نمیکنیم. این جنایت نباید از جانب طبقه کارگر ایران و رهبران واقعا دلسوز و جدی آن طبقه تحمل گردد. نباید از جانب شهروندان آزادیخواه و کسانی که در لجن جمهوری اسلامی و فرهنگ ضد کارگری و ضد انسانی آن غرق نشده باشند پذیرفته شود. باید جامعه به دفاع از کارگران برخیزد!

پیش بسوی گرفتن حداقل دستمزد ۸ میلیون تومان برای سال ۱۳۹۹ زنده باد اتحاد و همبستگی طبقاتی کارگران! زنده باد آزادی، زنده باد برابری، زنده باد سوسیالیسم! مرگ بر جمهوری اسلامی و نظام سرمایه داری!

حزب سوسیالیست انقلابی ایران

Iransocialist2017@gmail.com

www.simroz.org

۱۵ دی ۱۳۹۸ - ۵ ژانویه ۲۰۲۰

همچنانکه از چند نقل و قول زیر عیان هست، دولت جنایتکار اسلامی نه تنها تصمیم از قبل آماده خود را برای تحمیل ۶ برابر زیر خط فقر به اسم "حداقل دستمزد" را دوباره برای طبقه کارگر ایران در نظر گرفته است که حتی در این حمله جنایتکارانه نیز نیازی به بازی مسخره "شورای عالی کار" و نظرات "نمایندگان" خود گمارده کارگری در شورای اسلامی و خانه کارگر و انجمن صنفی ها ندیده، بلکه آنها را برای فریب افکار عمومی و وقت کشی و زمینه سازی برای "قانونی" کردن مجدد کشتار و اعمال تبعیض و ریاضت کشی عمیق تر علیه اکثریت شهروندان شرافتمند جامعه بکار انداخته است تا همان اتفاقی که سال گذشته افتاد امسال در ابعاد وحشتناکتری دوباره اجرا و تکرار کنند:

علی خدایی نماینده کارگران در شورای عالی کار گفت: «طی چند روز گذشته اولین جلسه کمیته مزد شوری عالی کار (سال ۹۹) برگزار شد و ما به عنوان نمایندگان کارگران پیشنهادها و نقطه نظرات خود را اعلام کردیم، در این زمینه نیز صحبتی که آقای نوبخت در مورد افزایش ۱۵ درصد حقوق کارمندان طی سال آینده انجام دادند، در مورد میزان افزایش نرخ دستمزد کارگران شبیه فکاهی است و قطعاً این رقم جوابگوی خرج زندگی کارگران نخواهد بود»

دلگرم: رئیس سازمان برنامه و بودجه، با بیان اینکه سال آینده حداقل ۱۲ هزار میلیارد تومان برای پاداش بازنشستگان دستگاههای اجرایی باید پرداخت کنیم، گفت: میانگین افزایش حقوق و دستمزد ۱۵ درصد خواهد بود.»

رئیس خانه کارگر همدان با تأکید بر اینکه دستمزد سال ۹۹ کارگران باید براساس نرخ تورم واقعی کشور مشخص شود، گفت: حداقل دستمزد کارگران در سال ۹۹ باید سه میلیون و ۷۰۰ هزار تومان باشد. "چنگیز اصلانی در گفت و گو با ایسنا، اظهار کرد: براساس ماده ۴۱ قانون کار بانک مرکزی در پایان هر سال تورم واقعی را در کشور اعلام کرده و بر این اساس در شورای عالی کار میزان دستمزد کارگران مشخص می شود.»

بدین ترتیب طبقه کارگر باید بداند سناریوها برای تحمیل حداقل دستمزد بردگی چیده شده و یک مشت موجب بگیر هم به عنوان "نماینده کارگر" راه افتاده اند تا "رقابت" ایجاد کنند! و در شرایطی که "وزیر اقتصاد" شان از ناتوانی ۷۰ درصدی قدرت خرید مردم صحبت میکند، در شرایطی که نمایندگان مجلس و دیگر مقاماتشان نیز از رسیدن خط فقر به ۸ میلیون تومان در بیشتر شهرها سخن فرسائی میکنند، و بازی افزایش ۱۵ درصدی "دستمزد"، و افزایش دستمزد تا سطح "سه میلیون و ۷۰۰ هزار تومان" را جلومان میگذارند تا در صحنه پایانی این نمایش و به همت "مذاکره سه جانبه" دروغین خود به حدود ۲ میلیون تومان تن بدهیم. آنها در قبال افزایش هزینه های سرسام آور زندگی که بالاتر از ۲۰۰ تا ۶۰۰ درصدی شاهد افزایش قیمت و هزینه های مسکن، تحصیل، بنزین، آب و برق، نان، گوشت، تخم مرغ، میوه، سبزیجات، و هستیم. این نظام و کاسه لیسانشان میخواند گستاخانه دهن کجی کنند در قبال این شرایط سخت زندگی اکثریت جامعه، و میدانند به هر اندازه بتوانند دستمزد و حق کارگر را به گروه بگیرند و به فقر بکشاند راه برای به گرو گرفتن حق و دستمزد دیگر بخشهای زحمتکش جامعه از جمله بازنشستگان، فرهنگیان پرستاران و غیره را هموارتر میکنند.

نه شاه نه شیخ!، نه قومی نه مذهبی! مرگ بر جمهوری اسلامی!

ادامه بیانیه از صفحه ۳: **نباید در بازی دشمنان و ...****"انتخابات" یا توهین به****شعور مردم؟**

مینا تهرانی

متاسفانه امسال درحالی وارد چهل و یکمین سال حکومتی می‌شویم که از روز به قدرت رسیدن با در دست داشتن ژس و تیربار در پشت سر سران رژیم اسلامی در پشت بام مدرسه رفاه سنگر گرفته و نماد زور و خشونت در تقابل با مردم بوده است. در این تاریخ طولانی متاسفانه بخشی از شهروندان با شرکتشان در نمایشهای انتخاباتی این نظام عملاً در تائید خونریزیهایش عمل کرده اند. امروز تکرار مجدد این کار را پسند در شان کسی نیست، به ویژه وقتی میبینیم که هر اعتراض ما را با گلوله جواب می دهند و هزار هزار از ما کشتند و بردن توی زندانهای بی نام و نشان.

همه ساله شاهد اعتراضات مردم در تمام اقشار اعم از دانشجویان و کارگران هستیم که بطور وسیع سرکوب و زندانی شده اند و شاهد اعدام آنان نیز بوده ایم. اخیراً در آبان ماه امسال اعتراضات مردم به اوج خود رسید و اکثریت مردم زحمتکش به تنگ آمده از گرانی و بیکاری و تبعیض فقط با شرکت نکردن و تحریم انتخابات اسفند ماه میتوانند با احترام به خود و تمام شهروندان که در وقایع و سوانح اخیر جان خود را از دست دادند از رای دادن اجتناب کنند.

این بار باید مردم ثابت کنند که به دام پروپاگند این نظام نمه افتند و به حکومتی که تمام سرمایه های مادی و انسانی و منابع طبیعی را بی رویه فقط برای پر کردن جیب ایادی مزدور خود و دزدی های میلیاردی مسئولین و دلالان مملکت را به سقوط و ویرانی کشانند، رای نخواهد داد. این انتصابات که اسمش را "انتخابات" گذاشته اند به شکلی بیانگر واقعیت جامعه ایران خواهد بود، یعنی درجه حماقت و ساده لوحی و کاسه لیبی ها را با میزان رشد درجه آگاهی و تصمیم وسیع به عدم شرکت از جانب مخالفین و معترضین به نظام به محک خواهد گذاشت. هر چند تخلف و تقلب و دروغهای نظام اسلامی راه واقعی دسترسی به واقعیت ها را بسیار محدود کرده است.

به امید شکست نمایش "انتخابات" در اسفند ماه و موفقیت اکثریت مردم کارگر و زحمتکش و آزادیخواه با عدم حضور در

رهبران جنایتکار جمهوری اسلامی میباشند. شرکت در چنین نمایش انتخاباتی به هر بهانه ای در جهت اضافه کردن عمر ننگین این جنایتکاران و سرکوبگران خود میباشد، به طریق اولی طبقه کارگر ایران نباید به هیچ وجه در بازی دشمنان و سرکوبگران خود شرکت کند، سناریویی که اسم آن را انتخابات گذاشته اند هدفی جز تامین بقا و کسب "مشروعیت مجدد" برای این نظام وحشی سرکوبگر و تروریست و آدمکش ندارد.

روشن است که این نمایش مطلقاً به مردم آزادیخواه ربط ندارد. هیچگاه ربط نداشته است، توهین آشکار به شعور تک تک شهروندان است. همه می دانند نه فقط حق کاندیدا شدن از هر کمونیست و رهبر کارگری و فعال جنبش زن و فرد سکولاری سلب شده است، بلکه حتی همان گونه که همه می بینند پیروسه کاندیدا شدن جانی ترین افراد خودشان و عبور از فیلتر شورای نگهبان تا آخرین روز شمارش "آرا" نه فقط به معنای دقیق کلمه فرمایشی و مضحک است که مستقیماً توهین و دهن کجی به هر شکلی از انتخابات در جامعه و هر تعریفی از شهروندی است. اما جمهوری اسلامی تا حال با بازی دادن بخشی از جامعه و اپوزیسیون درون و بیرون خود موفق شده در چنین پوششهایی از بحرانهایی که همواره دامنگیرش بوده با هیاهو و جنجال تبلیغاتی کل نظام را از بحران و از زیر تعرض و تنفر اجتماعی نجات دهد. با وجود تمام اختلافات و بالا گرفتن واقعی جنگ درون جناحهای رژیم، بدون استثنا هدف کلی کلیه جناحهای آن حفظ پیکره کثیف و جنایتکارانه جمهوری اسلامی و کمک به تداوم توحش و افسار گسیختگی سرمایه داری علیه مردم آزادیخواه و طبقه کارگر ایران بوده و هست.

صورت مسئله ما کارگران، ما مردم آزادیخواه، سرنگونی کلیت این رژیم و طبقه حاکم بورژوازی است. این رژیم و نظام استثمارگر باید برود! با روحانی و خامنه ای و همه قماش و جناحهایش، چه در پوشش اسلام و چه ملی گرایی-شونیستی و قوم پرستی باید دستشان از سر جامعه کوتاه کرد. این هدف محوری و مهم در گرو شروع یک مبارزه انقلابی و توده ای و رودرویی صف مستقل جنبش طبقاتی ما با کلیت نظام حاکم است! در گرو برافراشتن پرچم رادیکال و سوسیالیستی سرنگونی طلبانه است، در گرو عروج مبارزه متحد و گسترده طبقه کارگر برای کسب موقعیت بهتر اقتصادی و سیاسی و تشکل یابی خود و من حزب شدنش است، در گرو به میدان آمدن احزاب سیاسی و سوسیالیستی و انقلابی جدید است، در گرو سازماندهی اعتصابات سراسری کارگری و دیگر جنبشهای مترقی، و در گرو سازماندهی هدفمند میلبس توده ای و ایجاد واحدهای مقاومت انقلابی صف آزادیخواهان علیه جمهوری اسلامی و نظام حاکم سرمایه داری در ایران است.

سیاست کارگری، کمونیستی و آزادیخواهانه در مقابل چنین مضحکه هایی، سوت و کور کردن نمایش انتخاباتی رژیم و مراکز "انتخابات"، شرکت نکردن گسترده مردم در آن، سوزاندن صندوقهای این نمایش، کوبیدن آن بر سر برگزارکنندگان و در مقابل با شروع اعتصابات و اعتراضات و طرح مطالبات متحد و گسترده، تبدیل کل این پیروسه به یک روند مبارزاتی پرشور و متحد بر علیه موجودیت این حکومت آدمکش است.

کارگران و مردم آزادیخواه و شرافتمند به خود و حق و حقوق و حرمت خود احترام بگذاریم و در نمایش مسخره "انتخاباتی" نظام جنایتکار جمهوری اسلامی نباید شرکت کنیم، باید این نمایشهای تحقیر به خود را همراه با کلیت این نظام به گور سپرد!

مرگ بر جمهوری اسلامی!**زنده باد سوسیالیسم!**

حزب سوسیالیست انقلابی ایران

Iransocialist2017@gmail.com

۳۰ آذر ۱۳۹۸ - ۲۱ دسامبر ۲۰۱۹

زنده باد واحدهای مقاومت انقلابی! مرگ بر جمهوری اسلامی!

از جدال تاریخی بین اسلام و یهودیت تا معامله قرن !

زاگرس ابراهیمی



که منشأ این اختلافات نزاع سیاسی است یا یک اختلاف دینی و عقیدتی بین مسلمان و یهودیان خب باید بگویم هر دو مورد درست است و ریشه اختلاف عقیدتی بین مسلمان و یهود از زمان قرن های نخست حاکمیت اسلام شروع شده است و چیز تازه ای نیست. همزمان با هجرت آخرین پیامبر اسلام از مکه به یثرب، سه طایفه یهود در آن شهر زندگی می کردند؛ با ورود او به شهر

یثرب، بعضی از یهودیان آیین اسلام را نپذیرفتند زیرا از دیدگاه آن ها پیامبری به بنی اسرائیل منحصر بود. سرانجام به دلیل نقشه های یهودیان برای مسلمانان در جریان جنگ احزاب (با وجود اینکه قرارداد صلح بین مسلمانان و یهودیان منعقد شده بود و یهودیان متضمن شده بودند که با مسلمانان در صلح باشند و علیه شان جنگ نکنند) اما سه جنگ بین مسلمانان و یهودیان در گرفت و هر سه قبیله بنی قیناق، بنی قریظه و بنی نضیر سرکوب شدند. همچنین یکی دیگر از بزرگترین برخوردهای اسلام و یهودیت که طرف سوم آن مسیحیان بودند در زمان صلاح الدین ایوبی رخ داد. این برخورد چند جانبه بر سر بازستانی اورشلیم و فلسطین صورت گرفت که سرانجام به سلطه مسلمانان منجر شد. در دوران سلطنت محمد رضا شاه پهلوی، روابط ایران و اسرائیل، بسته به منافع مشترک ایران و اسرائیل از جمله رویارویی با قدرت طلبی کشور های عربی منطقه خلیج فارس با خط مشی سیاسی جهان میهن بینی عرب، همانند صدام بود. و اسرائیل و ایران رابطه حسنه ای باهم داشتند به حدی که در همین راستا اسرائیل بهطور منظم تحرکات سیاسی مصر در میان اعراب منطقه و گزارش های مرتبط با فعالیت زیرزمینی کمونیست ها در ایران را در اختیار دولت سلطنتی ایران قرار می داد و اختلاف چندانی میان حاکمیت اسرائیل و ایران وجود نداشت اما بعد از انقلاب در سال ۱۳۵۷ و قدرت گرفتن متفکران اسلام سیاسی شیعه در ایران و تعیین کردن یک روز به نام قدس برای آزادی فلسطین از طرف آیت الله خمینی معادلات منطقه و روابط مابین دو کشور را کاملاً تغییر داد که در نهایت منجر به گسترش جنوپولتیک شیعه و نفوذ آن در منطقه و ایستادگی در مقابل تجاوزات اسرائیل بر سرزمین فلسطینیان شد. با گسترش تفکر اسلام سیاسی شیعه و با تشکیل یا پیوستن بسیاری از گروه های اسلامی در سراسر خاورمیانه و همچنین افزایش قدرت تسلیحاتی ایران در منطقه تنش ها را به اوج خود رسانده است، اسرائیل نیز با استقاده هولوکاست و مظلوم نمایی های خود جوامع بین الملل را راضی به اشغال فلسطین ساخت و شهرک های غیر قانونی همراه با اعمال زور را در درون خاک فلسطین بنیاد گذاشت که ملات آن را نیز خون زنان و جوانان بی دفاع فلسطینی تشکیل داد در حال حاضر مسئله قدس و فلسطین یک مسئله ی عقیدتی و حیثیتی برای مسلمانان است چون بعد از مکه و مدینه در دین اسلام چه شیعه و چه سنی سومین شهر مقدس، اورشلیم است

به نظر من اسرائیل و حامیان غربی آنها باید به اشغالگری ۶۰ ساله خود و ریختن خون مردم بی دفاع فلسطین پایان دهند و با ابزار یهودیت و مظلوم نمایی مشروعیت به جنایات خود را به اتمام برسانند و بیشتر از این افکار عمومی مردم جهان را به نفع سیاست های خصمانه خود علیه مردم فلسطین تغییر ندهند ! به همان ترتیب دیگر دولتهای اسلامی و نژد پرست در منطقه که شهروندان خود را بی وقفه سرکوب می کنند نباید اجازه داشته باشند به بهانه دفاع دروغی از مردم فلسطین آتش خنک و تروریسم خود را در منطقه گرم نگاهدارند و همزمان به سرکوب مردم تحت حاکمیت خود ادامه بدهند. در نهایت به این ستم ظالمانه بر مردم فلسطین که از هر سوی اعمال میگردند باید پایان داده شود و حق ایجاد کشور مستقل با اتکا به مراجعه به آرا خود شهروندان به آنها داده شود!

مسئله اصلی اختلاف بین یهود و اسلام این بود که سلطه خواهی یهود برای حکومت زیاد بود و همین باعث شد که تمامی ادیان دیگر را رد کند و به ستیز با آن ها بپردازد و همچنین کسانی که کم تا بیش با نوشته های تلمود آشنا هستند می توانند شهادت دهند که چقدر مردم را از جامعه ی خارج از یهود و یا حتی کسی که از یک مادر یهودی اصل زاده نشده متفر کرده اند و دیدگاه ایشان چقدر مغرضانه و فئاتیسمی است و حتی بعضی از ربی های یهود تلاش بسیاری کردند که یهود را به عنوان یک نژاد جا بندانند که همین مشکل عامل بروز اختلاف در رم بین مسیحیت و یهودیت شد. با تمام اختلاف پراکنی های یهود در زمان پیامبر اخر اسلام، او میخواست که با سیاست های مدبرانه تمام ادیان را زیر سایه صلح تفکر اسلامی نگه دارد و حتی انجام فرایض یهودیت و مسیحیت را برای پیروان این ادیان آزاد گذاشت. اختلاف میان یهودیت و اسلام اختلاف فکری عمیقی است که این دو آیین دارند و همچنین اینکه از دیدگاه اسلام که در چند آیه ی قران نیز به آن اشاره شده یکی بر سر مسئله ی حضرت موسی است که یهودیان با او همانند نبی برخورد نکردند و یکی اینکه یهودیان حاضر نشدند دین اسلام را قبول کنند و اختلاف های ریشه یی دیگری که از حوضه ی این مقاله خارج است. اسرائیل که بعد تسلط رومی ها با رضایت خودشان بر بخش چهارم فلسطین (که آن موقع فلسطین به چهار بخش تقسیم شده بود و اداره می گردید) و کم کم شروع شدن اختلافات در قرن ۷ میلادی و آواره شدن یهودی ها و پراکنده شدن آن ها در نقاط مختلف جهان که درصدی به علت زیاده خواهی خودشان و درصدی به علت سلطه خواهی رم و یونان در آن ها زمان متحمل سختی های زیادی شدند و همین باعث شد که عقده ی تسلط دوباره بر فلسطین همیشه بر دل یهودی ها باقی ماند.

این فرصت زمانی برای آن ها رخ داد که انگلیس خود را در مرحله ای ضعیف در خاورمیانه می دید و کشور های مستعمره خود را کم کم از دست میداد و همچنین به علت بی اعتمادی به اعراب موقعیت فکری و دیپلماسی خود را در آینده منطقه بی تاثیر تخمین می زد. به همین علت (که حتی تا آخرین لحظات سران آمریکا و کشور های غربی و بریتانیا از این تصمیم مردد بودند) تصمیم به اختصاص دادن یک دولت به یهود گرفتند که اول نقشه هایی را در آرژانتین پایه ریزی کردند و بعد به علت فشار سران یهودی و اهمیت تاریخی و دینی بیت المقدس برای آن ها کم کم ادعای فرستادن یهودی ها به زادگاهشان بر طبق سنت های من درآوردی از طرف ربی های یهودی از تورات و پیامبران را مطرح کردند و با حيله گری و پشتیبانی انگلیس و تا حدودی آمریکا پایگاه دیپلماسی غربی را در خاورمیانه تأسیس کردند و بعد طی سه مرحله و جنگ هایی بین فلسطینیان و یهودیان مانند جنگ ۳۳ روزه و تشکیل جبهه های آزادی خواه از طرف فلسطینیان و ... شهرک سازی های غیر قانونی و تجاوز هایی که حتی جامعه بین المللی نیز آن را به رسمیت نمی شناخت و فشار روحی و تسلیحاتی بر فلسطینیان اسرائیل تجاوز گری خود را ادامه داد و به اراضی بیشتری دسترسی پیدا کرد، بعد از استعمار ارضی فلسطین در صدد ایجاد روابط دیپلماسی با کشور های منطقه بر آمد مخصوصاً اعراب که نقشه های زیادی برای آن طرح و اجرایی کرد مانند (تحریف تاریخ و برداشتن حساسیت دینی بین اسلام که دین رسمی اکثر کشور های خاورمیانه است) و یهودیت.

اما وقتی صحبت از اختلاف شدید بین اسلام و یهودیت به خصوص در ۵۰ سال اخیر به میان می آید اولین مسئله ای که برای اکثر مردم مورد سؤال است این است

ننگ و نفرت بر نظام سرمایه داری با دولت و احزاب و حامیانش!



فرضیه ی فراگیر شدن خشونت در جهان امروزی بیشتر از کل تاریخ زندگی بشری (تاریخ نگارشی و تحقیقی اثبات شده) درست یا غلط؟

تینا خلیفه ای

لازم میدانم توضیح دهم چرا به جای کلمه ی نظریه (theory) از کلمه فرضیه استفاده کردم در اصل همانطور که در دیکشنری وبستر آمده است نظریه یک اصل است که صورتبندی شده است تا چیزهایی که پیش از این با کمک داده‌ها اثبات شده‌اند را توضیح دهد. نظریه بر پایه اصولی که توسط مجامع علمی پذیرفته شده است به کار گرفته می‌شود. اما فرضیه مثال‌های فرضی و نه عینی برای شروع اثبات مشاهدات و یا درکبات کلی است که هر چند برای آغاز پژوهش و تحقیق ضروریست اما توهم آور نیز هست. فرضیه ی فراگیر خشونت یا حتی افزایش آن نسبت به گذشته که در جهان مخصوصاً در رسانه‌ها به کرات قابل شنیدن است به نظر من امری غیر منطقی و بر اثر مطالعه ی نادرست و محدود تاریخ یا به عرصه ی تفکرات همه پسند و توجیهی گذاشته است یاحتی آن را یک نوع لفاظی هوشمندانه دانست. در تاریخ بشر با وجود تفاوت‌های بسیار اجتماعی، فکری، زیست محیطی، تسلیحاتی، رسانه‌ای، سیاسی فرهنگی و حتی جغرافیایی و... هر نسل جوامع بشری خشونت متناسب با دوره ی خود را تجربه کرده چه بسا بسیار پیچیده تر و ظالمانه تر از خشونت‌های امروزی اما به علت کمبود منابع تاریخی (کتاب، کتیبه، دست نوشته، دیوار نوشته و...) که بخشی از همین منابع تاریخی به دست جنگ‌های وحشیانه و ظالمانه از میان رفته اند یا حتی تحریف تاریخ و وقایع به دست بعضی تاریخ نگاران و عدم موجودیت شبکه ی جهانی پخش سریع تمام اخبار و وقایع مانند امروز ما به طور دقیق از این وقایع مطلع نیستیم و مسلماً جامعه شناسان و روان شناسان نیز در پژوهش و تحقیق درباره ی جوامع مختلف بشری تا حدودی با مشکل مواجه اند. به عقیده ی من نفوذ این نوع تفکر در مکالمات روزمره، رسانه‌ها، اشعار، موسیقی، دانشگاه‌ها و مباحث و محافل سیاسی

یک نوع موضع هدف دار متفکران نسل جدید است که هر چند خواهان صلح جهانی هستند اما از سوی دیگر غریزه ی نوع انسان را پست می‌شمارند مخصوصاً که ادعا می‌کنند که جوامع امروزی بشر با تمام پیشرفت‌هایی که به دست آورده مخصوصاً از نظر تکنولوژی، پزشکی و حتی ساختارهای اجتماعی جوامعی خشونت طلب و ذاتاً هرج و مرج طلبند. که به نظر من وقتی با قاطعیت در باره ی آن حرف میزنند و تر‌های مختلف می‌نویسند بیشتر دچار اشتباه می‌شوند چون حتی با مطالعه ی سطحی و دانشگاهی تاریخ می‌توان متوجه شد اتفاقاً انسان نسل جدید بیشتر به حقوق خود آگاه است و همچنین در برابر خشونت کم تحمل تر غیر قابل تأثیر تر نیز هست چون به علت جو رسانه‌ای و جهانی که ایجاد شده انسان‌ها بیشتر به سوی هم گرای رفته اند و ایزوله کردن تفکرات و جوامع خود را تا حدودی کنار گذاشته اند (هر چند با وجود ناسیونالیسم رادیکال کمی این روند دچار کنده شده یا به عنوانی دیگر مختل شده) با دسترسی انسان به مطالعه آسان و به دست آوردن اطلاعات درباره ی جوامع مختلف حتی با یک جستجوی ساده در اینترنت و یا همراهی بازارهای گرم گردشگری و همچنین آسانی یادگیری زبان‌های گوناگون و همچنین شبکه‌های اجتماعی انسان‌ها فرای سیاستمداران مرزهای میان‌شان را رد کرده اند و نشان داده اند با وجود فرهنگ، زبان، آیین، نژاد و... میتوانند به خوبی با هم کنار بیایند البته بدون تأثیر گذاری سیاستمداران منفعت طلب (بخوانید دارای فویبای جهان خارج از مرزهای کشورشان) عزیز! این مورد را هم نباید فراموش کرد که رسانه‌های مختلف با باران خبری و اطلاعاتی که به سر مردم می‌بارانند و آن‌ها را غرق خبرهای سردرگم کننده و به طور حتم هدف دار سیاسی و امنیتی می‌کنند نقش زیادی در توسعه ی این تفکر در سراسر جهان داشته اند رسانه‌ها به خوبی می‌دانند چه کسی را سوپرمن و چه کسی را تروریست و ضد منافع ملی! (گاهی کشورهایی قلندر لفظ امنیت جهانی را نیز به کار می‌برند) نشان دهند آنچه آن‌ها به ذات و غریزه انسانی نسبت میدهند چیزی نیست به جز نشان دادن وجهی منطقی به تمایلات جنگ طلبانه و ویران کننده خودشان که به هدف استعمار جغرافیایی و فکری انجام می‌گیرد. و به طور قطع انسان‌های آزادیخواه بسیاری مقابل این تفکرات ایستاده اند و آن‌ها را از دسترسی به تفکرات ستیزه جو باز می‌دارند. هر چند این موضوع مباحث زیادی را برای گفتگو درباره ی آن به میان می‌آورد و نیازمند تحقیق و پژوهش میدانی دقیق و بررسی متخصصان مرتبط با مسائل اجتماع شناختی است اما لازم دانستم که مطلبی هر چند کوتاه اما برای آگاهی بیشتر بنویسم. به امید دنیایی بدون جنگ!



iransocialist2017@gmail.com
www.simroz.org



حزب سوسیالیست انقلابی ایران، حزب طبقه کارگر، حزب جنبش‌های زن، و حزب جوانان پرشور و انقلابی و همه انسانهای مبارز و سوسیالیست است. نیاز واقعی جامعه ایران و ضرورت سازماندهی مبارزه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ملیتانت علیه وضع موجود و برای سرنگونی نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی ضرورت اولیه سازماندهی چنین حزبی را برای جنبش ما ایجاد کرده است.

در هر جایی که هستید چه به شیوه فردی چه با تشکیل محافل و گروه‌های مورد اعتماد خود به عضویت حزب سوسیالیست انقلابی در بیایید، و فعالیت متشکل و متحد به منظور به پیروزی رساندن صف آزادی و برابری و سوسیالیسم مبارزه خود را آغاز کنید و با حزب تماس برقرار نمایید.

حزب سوسیالیست انقلابی ایران همه کارگران و زحمتکش‌ها، همه مبارزان راه آزادی و برابری را به پیوستن به صفوف خود فرامیخواند!

زنده باد حزب سوسیالیست انقلابی!، زنده باد سوسیالیسم!، مرگ بر جمهوری اسلامی!

واقعیت این است که نبرد بسیار سنگین و چه بسا خونین طبقاتی بین ما کارگران و سوسیالیست‌ها و زنان و جوانان آزادیخواه با صف اوباشان حامی خرافه مذهبی و ملیگرائی و طرفداران نظام ظالمانه و کثیف سرمایه داری در چهار گوشه ایران در انتظار است!، ایران بعد از جمهوری اسلامی یا باید یک ایران سوسیالیستی و آزاد و مرفه باشد یا یک ایران باز هم متکی بر بربریت سرمایه داری و چه بسا به سوی جنگ و نزاع بی پایان شونیستی، مذهبی، و قوم پرستی در سراسر کشور. ماهمه شهروندان آزادیخواه را به انتخاب راه حل اول، یعنی انتخاب یک جامعه سوسیالیستی و نظام شورائی فرامیخوانیم!

(سلام زیجی)

همه زندانیان سیاسی و بازداشت شدگان بدون قید و شرط باید آزاد شوند!

روزهای یکم و پانزدهم شمسی هر ماه نشریه "سوسیالیسم امروز" منتشر میشود. آخرین زمان برای ارسال مطالب برای نشریه ۲۴ ساعت قبل از تاریخهای انتشار است.

[موازین انتشار](#)

[مقالات در نشریه](#)

[سوسیالیسم امروز:](#)

- سردبیر در انتشار، رد و ویرایش مقالات آزاد است!
- مقالاتی در این نشریه منتشر میشوند که تنها برای این نشریه فرستاده شده باشد.
- مسئولیت مقالات با نویسندگان آن است.
حداکثر حجم مطلب منتشره در نشریه دو صفحه آ ۴ با فونت ۱۲ میباشد.

مقالات و گزارشات خود را لطفاً به این آدرس ایمیل بفرستید:

iransocialist2017@gmail.com

به ما کمک مالی کنید

از طریق این شماره حساب کمک های مالی خود را برای ما بفرستید.

SWEDEN
SEB BANK
50550056411

هر میزان از کمک مالی شما انسانهای مبارز و دلسوز مستقیماً به پیشرفت ما در جهت گسترش مبارزه خود برای آزادی و برابری و تداوم مبارزه همه جانبه تر خود به منظور سرنگونی جمهوری جنایتکار اسلامی کمک فوری خواهد کرد.

کارگران! مردم شرافتمند!

هیچ پدیده ای به اندازه تحمیل این سطح از زندگی بردگی به کسانی که کل ثروت یک کشور را خلق میکنند جنایتکارانه و ضد انسانی تر نیست! هیچ جنایتی بزرگتر از این نیست که در شکل "قانونی" نان زحمتکش ترین انسانها را به این شکل از جانب یک مشت کنگستر دولتی و سرمایه دار به گرو گرفته شود. آمار قربانیان این نوع جنایات کمتر از میدانهای جنگ گرم نیست!، هیچ جرمی به اندازه اعمال زورگویانه، یکجانبه، و با نقشه کشی اقتصادی-سیاسی هدفمند علیه تولید کنندگان ثروت و سامان جامعه، و به هدف هموار کردن شرایط مشقت بارتر آنها و سودجوی کور اقتصادی دولت سرمایه داران، از طریق به زانو در آوردن یک طبقه ۴۰-۵۰ میلیونی، و نابودی فیزیکی و روحی میلیونها انسان بزرگسال و کودک، که گسترش اعتیاد، خودکشی، تن فروشی، و تحمیل یک زندگی واقعا بردگی به شرافتمندانه ترین و کارکن ترین انسانها جز عوارض فوری ناشی از چنین تعرض است، نمیتوان تصور کرد! آنها از جانب یک مشت اوباش سرمایه دار و یک نظام استبدادی اسلامی-بورژوازی که تنها یک مورد از دزدیهای کلان و "اختلاس" هایشان برای پایان دادن به فقر و گرسنگی در کل کشور کفایت میدهد. اما ما کارگران این تعرض گستاخانه را نیز تحمل نمیکنیم. این جنایت نباید از جانب طبقه کارگر ایران و رهبران واقعا دلسوز و جدی آن طبقه تحمل گردد. نباید از جانب شهروندان آزادیخواه و کسانی که در لجن جمهوری اسلامی و فرهنگ ضد کارگری و ضد انسانی آن غرق نشده باشند پذیرفته شود. باید جامعه به دفاع از کارگران برخیزد! (بخشی از بیانیه حزب در باره حداقل دستمزد ۹۹ طبقه کارگر ایران)

پیش بسوی گرفتن حداقل دستمزد ۹-۸ میلیون تومان برای سال ۱۳۹۹

زنده باد اتحاد و همبستگی طبقاتی کارگران!

زنده باد آزادی، زنده باد برابری، زنده باد سوسیالیسم!

مرگ بر جمهوری اسلامی و نظام سرمایه داری!

حزب سوسیالیست انقلابی ایران

iransocialist2017@gmail.com

۱۵ دی ۱۳۹۸ - ۵ ژانویه ۲۰۲۰

"...با وجود این واقعیتهای هولناک هنوز کسانی به صف شده و برای این مجلس مضحک "کاندید" میشوند و بدینوسیله نه تنها چشمشان را به این همه جنایت میبندند بلکه بخاطر منافع حقیر اقتصادی و گرفتن پولهای باد آورده، و در جهت خدمت به بقای این نظام در صدد هستند تنور این گلاهدرداری بزرگ را گرم نگهدارند. به این کاسه لیسان مزدور فقط باید گفت شرمتان باد! و باید همه جا به آنها گفت که دیر یا زود تک تک شما را به عنوان شریک جرم این رژیم محاکمه و مجازات خواهیم کرد!، به علاوه به آن بخش از "مردم" نیز که هنوز "امیدی" به نمایش دروغین انتخابات "این رژیم خون و جنون دارند و میخواهند دوباره به بازی گرفته شوند و بازار این نظام جانی را رونق ببخشند باید گفت برخوردار از عقل و درایت و حس مسئولیت و انسانیت هم چیزی خوبی است، که متأسفانه حاکمیت فاسد چهار ساله یک نظام بورژوا-داعشی شیعه مسلک توانسته این خصوصیات اولیه انسانی را از وجود بخشی از شما "مردم"، از جمله از کسانی که به این نظام "رای" میدهند و در این بازار گرمی شراکت دارند، تهی نماید. علاوه بر تعمق بر واقعیت بی اراده شدن شرکت کنندگان در "نظام انتخاباتی" این رژیم، باید به آنها گفت به عکس کشته شدگانی که برای نان و آزادی و برابری، و بخاطر نخواستن فساد و دزدی و سرکوب و زورگویی یک دولت مستبد جانیشان را باختند خیره شوید و بدانید که با شرکت تان در این نمایش انتخاباتی عملاً در کشتار این عزیزان شما نیز سهم خواهید شد!، آیا تکرار چهار سال اشتباه محض و "مشروعیت" دادن به یک نظام آدمکش را فقط باید "اشتباه" نامید؟! یا یک خودکشی و حماقت سیاسی! هر "رای" بی معنی شما اهرمی برای کشتار بیشتر شهروندان بدست همین رژیم خواهد بود. دیگر کافی است! تمامش کنید! فردا جامعه شما را بخاطر این نقش مخرب، ارتجاعی و ضد آزادیخواهانه تان نخواهد بخشید! آیا گرفتن مقداری "انعام" و یا کسب "امتیازات" کثیف و حقیر ارزش این سطح از تنزل و حقارت را دارد که با دستان خود به بقای یک نظامی کمک کنید که صدها هزار انسان شرافتمند را کشتار و نابود کرده است؟!.."

(از بیانیه حزب سوسیالیست انقلاب ایران، تحت عنوان: "ناباید در بازی دشمنان و سرکوبگران خود شرکت کرد!" ۳۰ آذر ۱۳۹۸)

اخراج و بیکارسازی موقوف!